

تحلیل گفتمان منافقان و مؤمنان با تکیه بر گزیده‌ای

از آیات سوره مبارکه حدید

✽ فاطمه رضانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۵

چکیده

گفتمان (Discourse) به طور کلی به بافت زبان در مراحل فراتر از جمله اطلاق می‌شود. تحلیل گفتمان یکی از ابزارهای تحلیل متون ادبی است که ارتباط بین ساختارهای گفتمان مدار و دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در تحلیل گفتمان به بررسی متون ادبی از جنبه ساختارهای زبانی و بافت متنی و هماهنگی آن‌ها با بافت موقعیتی پرداخته می‌شود. قرآن به عنوان کتاب قانون و برنامه بشر همواره مورد پژوهش های بلاغی و نحوی بوده است؛ اما از این منظر کم‌تر به آن پرداخته شده است. این پژوهش برآن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و از منظر تحلیل گفتمان به بررسی گفتگوهای دو طیف ایمانی مومنان و منافقان پرداخته، و تناسب و انسجام بافت متن در ساختارهای مختلف و بافت موقعیتی آن را مورد مذاقه قرار دهد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که ساختار این گفتمان اعم از ساختار بیرونی (شامل سطح آوایی، سطح نحوی و سطح دلالی می‌باشد) و ساختار درونی (شامل محتوا و عواطف گفتمان است) متناسب با بافت موقعیتی آن یعنی کوتاهی و غفلت منافقان از امر جهاد و انفاق جان و مال در راه سر سپردگی خداوند است. خداوند متعال در آیات شریفه ۱۱-۱۴ سوره مبارکه حدید با ارائه تصویری روشن و ملموس از حقیقت و عاقبت نفاق، در مقام ترغیب و تشویق به ایمان واقعی و تحذیر از نفاق پرداخته است.

کلیدواژگان: تحلیل ادبی، گفتمان، مومنان، منافقان.

۱. دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران؛ (f-ramezani_90@yahoo.com)

۱. مقدمه

هدایت جهانیان در قالب الفاظ و کلمات، به زبان عربی مبین در قرآن فرود آمده است و انسان، همان عظمتی را که در عالم تکوین، در دشت و صحرا و گل و گیاه و کوه و آبشار و پرتو خورشید و درخشش ماه و گستردگی افق و عظمت کهکشانها مشاهده می‌کند، در سوره‌ها و آیات و وقف و وصلها و فواصل گوناگون و موزون این کلام الهی، به روشنی در می‌یابد.

زبان قرآن، بی‌تردید زبانی ادیبانه است که هر یک از کلمات آن به زیباترین شکل، در جای خود قرار گرفته و نظم و انسجام آیاتش، همچون رشته‌ی به هم تنیده‌ای است که به راحتی از کلمه‌ای به کلمه‌ای و از آیه‌ای به آیه‌ای دیگر سیر می‌کند و با هر فراز و نشیب، روح و روان هر شنونده را به دنبال خود می‌کشاند. در قرآن کریم، متناسب با تغییر معانی، لحن‌های متفاوت و آهنگ و وزن‌های مناسب به کار گرفته شده است.

قرآن مجید، عرب جاهلی و تمام انسان‌ها را بر تارک تاریخ، به تحدی فرا می‌خواند که اگر می‌توانید، ده سوره و حتی یک سوره همانند قرآن را بیاورید؛ مسلم است که انسان جز اظهار عجز و ناتوانی پاسخی نمی‌تواند داشته باشد (بقره، ۲۳).

کلام الهی همواره مورد تحلیل پژوهشگران قرار گرفته است؛ یکی از پژوهش‌های قرآنی تحلیل گفتمان است. تحلیل گفتمان Analysis Discourse برگردان واژه فرانسوی است که در فارسی به "تحلیل کلام"، "سخن کاوی" و "تحلیل گفتار" ترجمه شده است.

تحلیل گفتمان، یک گرایش بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی- معرفتی در رشته‌هایی همچون انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسان‌شناسی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرد هم‌چنان که تحلیل گفتمان از ابتدای قرن ۲۰ در علوم انسانی تبدیل به موضوعاتی علمی و تجربی شد.

به موازات رشد سریع تحلیل گفتمان در شاخه‌های مختلف علوم انسانی، در ادبیات نیز به عنوان یکی از ابزارهای تحلیل متون ادبی که ارتباط بین ساختارهای گفتمان مدار و دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر آن را بررسی می‌کند، مورد توجه قرار گرفت.

تحلیل گفتمان ادبی به عنوان یکی از فروع تحلیل گفتمان به بررسی و نقد متون ادبی از جنبه ساختارهای زبانی و بافت متنی و هماهنگی آن‌ها با بافت موقعیتی می‌پردازد. به طور کلی تحلیل گفتمان به بافت زبان در مراحل فراسوی جمله اطلاق می‌شود و به معنای مراوده کلامی، سخن و گفتگو، بده بستانی بین گوینده و شنونده، مباحثه درباره یک موضوع و گپ زدن است (میلز، ۱۰، ۱۳۸۸-۷).

در تحلیل گفتمان ادبی بر خلاف روش‌های سنتی زبان شناسانه که صرفاً به بررسی نحوی و لغوی عناصر تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنا یعنی زمینه متن پرداخته می‌شود، در کنار ساختار متن، عوامل بیرون متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره جهت تحلیل متون از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. (فر کلاف، ۱۳۸۹، ۸) در تحلیل گفتمان، کارکردها و تأثیراتی از زبان و معنا مورد مطالعه قرار می‌گیرد که توصیف و تشریح آن‌ها، مستلزم در نظر گرفتن توالی، ترادف جمله و نیز ساختار جمله است (مک دانل، ۱۷، ۱۳۸۰).

در تحلیل گفتمان ادبی، متکلم ادیب می‌کوشد با ایجاد تناسب و هماهنگی میان عناصر زیبا شناختی ادبی و بافت موقعیتی به جذب، اقناع و اثرگذاری بر مخاطب بپردازد و افکار مورد نظر را به او انتقال دهد. وظیفه تحلیلگر در بحث گفتمان ادبی، کشف این هماهنگی و انسجام و تولید معنا است.

گفتگو (Dialog) شرط مقدماتی هر گفتمان به شمار می‌رود. یکی از ویژگی‌های شایان توجه درباره قرآن بیان راه کارهای زندگی در قالب گفتگو است. کلام الهی با ترسیم گفتگوهایی بین طیف‌های مختلف انسان‌ها به طور غیر مستقیم در قالب پرسش، برنامه و راه کارهای زندگی را به مخاطب ارائه می‌دهد.

مواجهه انسان با این پرسش‌ها سبب می‌گردد. آدمی پا سخ را از درون وجدان و قلب خویش بشنود و آن را در گرو تشخیص خود بداند و به عنوان طرح و فکری آشنا به آن بنگرد. بیش از هزار آیه از آیات قرآنی با سبک پرسش همراه است؛ برخی از این پرسش‌ها مربوط به ارتباط طیف‌های مختلف افراد در رستاخیز است که هریک دارای رمز و حکمت خاصی است؛ چنانچه خداوند نیز می‌فرماید: «فَأَقْبِلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (صافات، ۴۱).

از جمله این پرسش‌ها ذیل آیات ۱۱-۱۴ سوره مبارکه حدید است که در قالب گفتگویی بین منافقان و مومنان مطرح شده است. این آیات با اشاره به چهار ویژگی منافقان، ضمن بیان ماهیت و حقیقت نفاق در مقام تحذیر و انداز مخاطب از جریان نفاق است.

علی رغم پژوهش‌های بسیار در زمینه تحلیل گفتمان، ر ساله یا نوشته مستقلی با این عنوان و محتوا و نگرش صورت نگرفته است. این پژوهش در پی آن است که با روش توصیفی-تحلیلی و از منظر تحلیل گفتمان به تجزیه و تحلیل و تبیین گفتگوهای منافقان و مؤمنان در آیات ۱۱-۱۴ سوره مبارکه حدید بپردازد.

و پرسش نگارنده در این پژوهش آنست که کارکرد ساختار متن آیات ۱۳-۱۴ در هماهنگی و انسجام، با بافت موقعیتی آن و کیفیت انتقال معانی به مخاطب در این گفتمان ادبی به چه صورت است؟ نقش آواها و موسیقای حروف و کلمات در انتقال معانی چگونه است؟

۱. تحلیل گفتمان ادبی آیات ۷-۱۴ سوره مبارکه حدید

محتوای اصلی آیات مذکور، ترسیم فرآیند حقیقت نفاق و فراخوانی جهت اصلاح رفتارها و ارائه راهبرد و راهکار برای داشتن حیات ایمانی و دوری جستن از خصلت‌های نفاق در زندگی انسان است.

نظر به اهمیت تعیین بافت موقعیتی آیات جهت تحلیل و بررسی بافت متن، ضروری است که در ابتدای بحث به این امر پرداخته شود.

۱-۲. بررسی بافت موقعیتی (Context of Situation)

بافت موقعیتی عبارت است از «زمینه و شرایطی که سخن در آن جریان می‌یابد و از آن با اصطلاحاتی مانند زمینه، بافت موقعیتی، سیاق و در بلاغت قدیم با عنوان "اقتضای حال" و "اعتبار مناسب" تعبیر کرده‌اند» (الهاشمی، ۱۳۹۴، ۳۷).

با توجه به سیاق آیات ابتدایی سوره مبارکه حدید، روشن می‌شود که برخی از مسلمانان زمان پیامبر اکرم (صلی علیه وآله و سلم) در راه جهاد از همراهی و مساعدت ایشان کوتاهی نموده و از انفاق جهت پشتیبانی مالی خودداری می‌کردند. غرض این سوره، تحریک و تشویق مؤمنین به انفاق در راه خداست، هم‌چنان که تکرار امر صریح به این معنا در خلال آیات اشاره بدان دارد: «**آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ**» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹، ۱۳۴).

۳-۱. بررسی بافت متن (Text Context)

بافت متنی در گفتمان، تقریباً معادل سیاق در مباحث اصول فقه و علوم قرآنی است؛ ومنظور از آن، متنی است که از پیوند کلمه‌ها و جمله‌ها و روابط واژگانی با هم پدید می‌آید و کلمه‌ها و جمله‌ها تنها در درون این بافت زبانی معنا دار می‌شوند. توجه به بافت یا سیاق از دوجهت اهمیت دارد: اولاً؛ کشف مراد جدی متکلم با توجه به سیاق، امکان پذیر می‌شود. ثانیاً؛ ماهیت متن، گفتاری است که در شرایط خاصی شکل گرفته است، و سیاق با این خصوصیت مرتبط است. بافت متنی، شامل بافت محتوایی، بافت ساختاری و روابط بین متنی است؛ لذا بررسی هریک برای دستیابی به مراد متکلم لازم و ضروری است.

۴-۱. بررسی بافت محتوایی

بافت محتوایی آیات ۱۱-۱۴، شامل معانی ذیل است که خداوند متعال بدان اشارت دارد :

۱. بیان فضیلت دارندگان ایمان واقعی.
۲. بازتاب اجتماعی وجود مومنان و نقش روشن‌گری آن‌ها در اجتماع.
۳. غرق در نور بودن مومنان.
۴. غرق در ظلمت بودن منافقان.
۵. معیت و همراهی این دوگروه در تمامی گستره حیات دنیوی و اخروی.
۶. مرز و جدایی آن‌ها در عین معیت و همراهی‌ها.
۷. شگفتی و حسرت منافقان در مواجهه با انعکاس واقعی عملکرد مومنان.
۸. تقاضا و مسئلت منافقان از مومنان در استعانت نور آن‌ها.
۹. پاسخی ترغیبی و تشویقی برای چگونگی کسب نور.
۱۰. بیان چهار خصلت عملکردی منافقان در حیات دنیوی جهت اجتناب از آن موارد.

۵-۱. بررسی ساختار بیرونی

ساختار یک متن شامل ساختار بیرونی و درونی متن است. در این بخش ابتدا ساختار بیرونی و سپس ساختار درونی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ساختار بیرونی یک متن شامل سطح آوایی و سطح موسیقایی ناشی از هجاء کلمات، سطح نحوی و سطح دلالی است که در این متن به بررسی هریک می‌پردازیم.

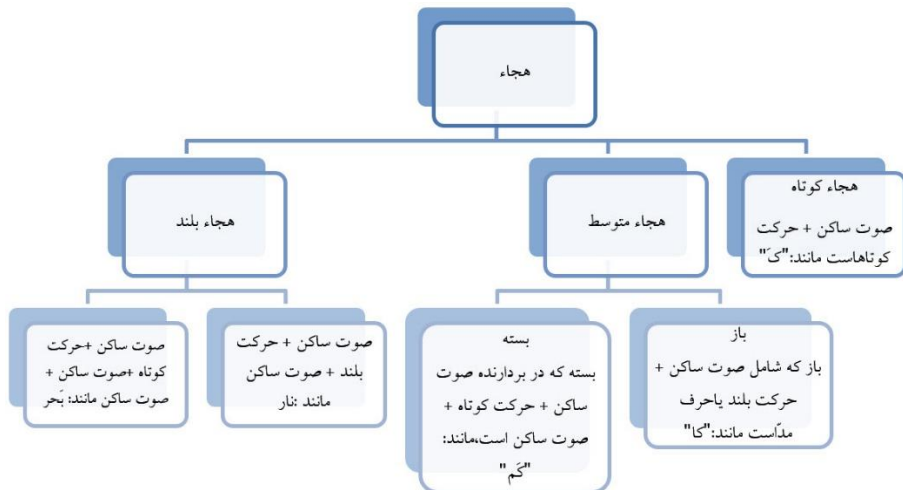
۱-۵-۱. بررسی سطح آوایی

یکی از ابزارهای ادبی، زیبایی موسیقایی متن است که در جذب و تأثیرگذاری بسیار موثر است. موسیقی متن ناشی از تکرار هجاء و حروف و چینش آن‌ها در کنار یکدیگر است که در تناسب با محتوای و به مقتضای حال مخاطب گزینش می‌گردد.

۱-۵-۲. بررسی سطح موسیقایی

موسیقی ناشی از تکرار هجاء

در ابتدای بحث باید گفت که: «هجاء یک واحد صوتی مشترک در میان تمام زبان‌هاست که ریشه علمی دارد و در علم موسیقی "phonetics" نامیده می‌شود. هجاء، عبارت است از حرکت کوتاه یا بلند همراه با یک یا چند حرف (صوت) ساکن» (انیس ابراهیم، ۱۹۵۲، ۱۴۴). هجاء در زبان عربی به سه دسته تقسیم می‌شود:



جدول تکرار انواع هجاء در آیات مذکور

تکرار	انواع هجاء
۱۵ مرتبه	هجاء کوتاه
۹ مرتبه	هجاء متوسط بسته
۱۱ مرتبه	هجاء متوسط باز
۱۰ مرتبه	هجاء بلند

ابراهیم انیس اعتقاد دارد که: «تعداد و نوع مقاطع صوتی به احساسات و حالات روحی گوینده نیز ارتباط دارد، مثلاً کلام در وقت مصیبت و نگرانی تحت تأثیر انفعالات درونی قرار گرفته و بحری کوتاه که متناسب با نفس‌های سریع و ضربان قلب بالاست، را می‌طلبد. مدت زمانی که برای ادای مقطع کوتاه صرف می‌شود تقریباً نصف مدت زمانی است که صرف ادای هجای متوسط می‌شود» (همان، ۱۵۵). گوینده از طریق هجای متوسط (به نسبت هجای کوتاه) با سرعت کم‌تری به بیان مطالب خویش می‌پردازد.

هجاء کوتاه و متوسط باز، بیشترین بسامد را در این گفتمان به خود اختصاص داده‌اند. «هجاء کوتاه به خاطر وضوح و آشکاری و ساده بودن ساختار آن و همچنین به خاطر شکل واحدی که دارد (صوت ساکن + حرکت کوتاه) در جلب توجه مخاطب مؤثر می‌باشد» (عوده و احمد صالح، ۲۰۰۳، ۱۶). در آیات مذکور، گویا توضیح حالات مومنان از طریق تکرار هجاهای کوتاه باعث جلب توجه مخاطب به این پیامد و در نتیجه برانگیخته شدن احساسات مخاطب و بیدار شدن او از خواب غفلت می‌شود؛ لذا با سرعت کم‌تری به بیان این مطالب پرداخته شده است تا امکان تأمل بیشتری برای مخاطب فراهم شود. از طرفی تکرار هجای بلند (۱۰ مرتبه) نیز در ایجاد این فضای تأمل برانگیز سهیم بوده و از سرعت بیان مطالب کاسته است.

موسیقی ناشی از تکرار حروف

تکرار حروف (واو، م، هاء) در این گفتمان قابل تأمل است. حرف "واو" در سراسر این گفتمان کاربرد وسیعی دارد؛ «تلفظ حرف "واو" به خاطر بیرون راندن هوا از دهان، معنای حرکت به جلو را می‌رساند و برای تحریک و به هیجان آوردن مؤثر پدیده‌ها به کار می‌رود» (بلوچی، ۲۰۰۴، ۱۰۹). به عنوان مثال هنگامی که به منافقین گفته می‌شود: «قیل ارجعوا وراءکم فالتهم سوانوراً ف ضرب بینهم بسور...» گویی کاربرد این حرف به هنگام سرزنش مخاطب و یادآوری کوتاهی در گذشته، مخاطب را به هیجان آورده و او را به جبران کوتاهی و اصلاح عملکرد خویش ترغیب می‌کند.

موسیقی ناشی از تکرار کلمات

در این گفتمان نوعی موسیقی ناشی از تکرار کلمات نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد از طریق برجسته کردن معنا و مفهومی خاص، سعی در تشدید احساسات مخاطب دارد، گویی تکرار این کلمات جهت برانگیختن مخاطب و تحریک او به جهاد واقعی می‌باشد.

تکرار بر اندیشه مخاطب تأثیر می‌گذارد و علت آن این است که شیء تکراری در اعماق ضمیر ناخودآگاه انسان حک می‌شود، لذا با گذر زمان در ذهن مخاطب تثبیت شده و پذیرفته می‌شود (احمد بدوی، ۲۰۰۵، ۱۱۲).

به عنوان نمونه، رفتارهای متناقض و بهانه‌جویی مخاطب به عنوان یکی دیگر از دلایل غرق در ظلمت بودن منافق، در فضایی موزون، با تکرار ضمیر جمع "کم" و "تم" به مخاطب یادآوری می‌شود: «...ولکنکم فتنتم انفسکم وتربصتم وارتبتم وعرّکتکم الأمانی.....» به نظر می‌رسد خداوند متعال با بیان نمونه عینی تناقض در رفتار مسلمانان آفت‌زده و ذکر ذلت و خواری ناشی از این تناقض، در مقام تحذیر مخاطب از عدم وحدت در ظاهر و باطن است.

۳-۵-۱. بررسی سطح نحوی

بررسی سطح نحوی گفتمان آیات مذکور نشان می‌دهد که در بخش‌هایی از گفتمان، نوعی استراتژی خاص به نام استراتژی گرایشی، جهت‌گرایشی و تحریک مخاطب به سوی هدف مورد نظر، استفاده شده است. استراتژی گرایشی نوعی فشار و نفوذ بر مخاطب به درجات مختلف و جهت‌دهی او به عمل معینی است. (الشهری، ۲۰۰۴، ۳۲۲)

ابزارهای زبانی گرایشی عبارتند از: امر ونهی و استفهام، تحذیر، إغراء و ذکر عاقبت است (همان).

در این بخش به بررسی عناصر نحوی همچون جملات انشایی استفهام و ندا، تکرار و افعال مجهول پرداخته می‌شود. این ابزار، متناسب با بافت موقعیتی آیات (سستی و کوتاهی مخاطب) و در جهت تحقق هدف مورد نظر (تشویق مخاطب به صداقت در ایمان) به خدمت گرفته شده‌اند.

(۱) **استفهام**: استفهام ابزاری است که در گفتمان منافقان و مومنان، جهت‌گرایشی مخاطب به امر جهاد‌گزینش شده است؛ زیرا استفهام، همواره در مقام طلب آگاهی نیست، چنان‌که در تعریف استفهام این‌چنین آمده است: «استفهام، جهت‌آگاهی یافتن از اطلاعات مختلف و متنوع به کار برده می‌شود، اما بعضی از سؤال‌ها خالی از طلب آگاهی هستند؛ زیرا فرستنده پیام، بعضی از پرسش‌ها را به کار می‌برد تا توجه مخاطب را بر روی یک نقطه مشخص از سخن متمرکز سازد» (الشهری، ۳۵۳). در گفتمان مذکور فقط یک‌بار حرف استفهام به کار برده شده است. هدف استفهام مذکور «ألم نکن معکم؟» در این گفتمان، دریافت پاسخ مثبت یا منفی از جانب مخاطب نیست، بلکه شاید بتوان گفت این سؤال با

هدف متمرکز ساختن فکر و اندیشه‌ی مخاطب بر عمق فاجعه و با ایجاد چالش در عقل تحلیل‌گر انسانی، مخاطب(منافقان) را متوجه ماهیت اصلی عملکرد و رفتارشان سازد.

(۲) ندا: ندا ابزار دیگری است که با هدف جلب توجه مخاطب و در نتیجه تحریک احساسات او به خدمت گرفته شده است. «ندا آن است که با استفاده از ابزار مخصوص ندا از شخص مورد ندا درخواست کرد که به سوی شخص ندا دهنده روی آورد» (الزرکشی هما، ۳۲۳، ۲). لازم به ذکر است که این ابزار با وجود این که در گفتمان منافقان و مومنانِ سوره مبارکه حدید تنها یکبار تکرار شده، اما از آن جا که در گرایش مخاطب و تحریک احساسات او مؤثر است مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابزارهای ندا مختلفاند، "همزه وای"، برای منادای قریب و "یا، ای، آیا، واو، هیا" برای منادای بعید بکار می‌رود (اله‌اشمی، ۱۳۹۴، ۷۶). در آیه مذکور، استفاده از همزه که برای منادای نزدیک است «**ینادونهم...**» معیت و ارتباط تنگاتنگ دو گروه مومن و منافق در دنیا و خرت مطرح می‌سازد؛ چنانچه جناب علامه نیز به این ارتباط نزدیک اشاره نموده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹، ۱۴۷).

(۳) افعال مجهول: در مورد حذف فاعل در صیغه‌های مجهول دلایل گوناگونی وجود دارد: «یکی از عوامل حذف، آگاه بودن از فاعل محذوف است، این جنی معتقد است قانون حذف در فاعل، این است که هدف تنها، اعلام وقوع فعل بر مفعول باشد (زرکشی، ۱۹۸۴۱۴۴، ۳). کاربرد چهار فعل مجهول (بُشرا، قیل، ضُرب، ینادون) در آیات مذکور و گفتمان بین مومنان و منافقان، گویای آگاهی از فاعل محذوف نزد دو گروه است. خداوند متعال از طریق کاربرد افعال مجهول و اجتناب از هرگونه حاشیه‌پردازی، ذهن مخاطب را متوجه نتایج نفاق کرده و از این طریق، اهمیت آن را برای مخاطب روشن می‌سازد.

(۴) جملات کوتاه: کاربرد جملات کوتاه در این گفتمان نیز از مواردی است که نیازمند تأمل است؛ زیرا «فراوانی جملات کوتاه و منقطع در سخن باعث شتاب سبک و هیجان انگیزی مخاطب می‌شود... این گونه سبک‌های مقطع و پرشتاب، عاطفی‌تر نیز هستند» (فتوحی، رودمعجنی، ۱۳۹۱، ۲۷۴). به عنوان نمونه خداوند متعال در جملات «فتنتم انفسکم»، «تربیتکم»، «ارتبتم»، «غرتکم الأمانی» و «غرتکم بالله الغرور» اوج تأسف خویش نسبت به مخاطبی که با داشتن فرصت و امکانات، کوتاهی کرده است را بیان داشته است. شاید بتوان گفت حُسن تعابیر خداوند متعال در بیان این احساس در قالب تکرار جملات کوتاه، بیانگر نقش و سهم اختیار مخاطب به عنوان عامل اصلی در سرنوشت او خواهد بود.

۴-۵-۱. بررسی سطح دلالی

در سطح دلالی تصویرسازی و ملموس نمودن فضای واقعی برای مخاطب نیازمند بکارگیری ضوابط ظاهری و معنوی است که به طور جداگانه به هر یک پرداخته می‌شود.

کاربرد ابزار بلاغی در تصویرپردازی محتوا

به نظر می‌رسد انواع تصاویر بلاغی (استعاره، تشبیه و مجاز) در بخش‌های خاصی از گفتمان مذکور، نه با هدف صنعت‌پردازی بلکه با هدف تأثیرگذاری بر احساس و اندیشه‌ی مخاطب گزینش شده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

کاربرد تشبیه: تشبیه نقش چشم‌گیری در میزان و کیفیت تشویق تنفر انسان نسبت به امری دارد و خیال انسان را برمی‌انگیزاند؛ ابن اثیر می‌نویسد: «فایده تشبیه در کلام این است که هنگامی که شیء به شیء دیگر تشبیه می‌شود، هدف این است که از طریق شکل مشابه به یا معنای آن، خیالی ایجاد شود، این کار باعث تشویق به سوی آن خیال یا تنفر از آن خیال می‌شود» (ابن اثیر، بی تا، ۲، ۱۲۳).

فهم تشبیه از طریق یافتن وجه شبه صورت می‌گیرد، هرچه وجه شبه روشن‌تر باشد، سرعت انتقال ذهن از مشابه به فهم تشبیه است. از قدیم‌الایام تشبیه را از لحاظ سرعت انتقال ذهن از مشابه به مشابه و درک وجه شبه‌به دو نوع بعید و قریب تقسیم کرده‌اند. جرجانی تشبیه را به دو نوع بی‌نیاز از تأویل و محتاج تأویل تقسیم کرده است که نوع اول آسان یاب و نوع دوم دشواریاب (الجرجانی، ۱۹۹۱، ۹۰).

	آیه	وجه شبه	احساسات برانگیخته شده در مخاطب
۱	یوم تری المومنین والمومنان یسعی نورهم بین ایدیهم وبأیمانهم..	نور ← روشنایی	حس شوق و رغبت
۲	فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورَةٍ بَابٌ بَاطِنَةٌ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرَةٌ مِنْ قِبَلِ الْعَذَابِ	سور ← مرز و جدایی مومنان و منافقان	حسرت، جدایی و تنهایی
۳	غَرَّتْكُمْ الْأَمَانِي	امانی ← آرزو اندیشی و فکر فاقد پشتوانه منطقی و عقل	حس خسران و شکست
۴	بِسُورَةٍ بَابٌ بَاطِنَةٌ	باب ← جاذبه و کشش	بیداری از غفلت

کاربرد استعاره: استعاره، جانیشینی واژه‌ها وانتقال معنای یک واژه به واژه دیگر است

و در واقع همان تشبیه فشرده است که در آن مشبه به مذکور و مشبه محذوف است. استعاره در واژه تنها یک تأویل دارد و برای تثبیت و تأکید معنا به کار می‌رود. جرجانی به همین دلیل استعاره را از زمره تخیل نمی‌داند و معتقد است که معنای استعاره، از نوع معنای عقلی است و از نوع معنای تخیلی نیست (جرجانی، ۱۹۹۱، ۲۶۷). زیرا روش استعاره مبنی بر حذف کلام است که وقتی آن را به اصل بر می‌گردانیم در می‌یابیم که گوینده درصدد اثبات یک امر صحیح و عقلی است و دعوی امری را دارد که از سنخ امور عقلی است، در حالی که تخیل از حقیقت دور است و نوعی فریب عقل و نیرنگ است.

دقت در تمامی الفاظ مستعار در گفتمان آیات نشان می‌دهد که به جای استفاده از الفاظ صریح از جانیشین‌هایی استفاده شده که با به تصویر کشیدن و ملموس ساختن معنای مورد نظر به بهترین شکل ممکن، در انتقال آن معنا مؤثر بوده‌اند.

استعاره، پوشش اسلوب قرآنی است که باری تعالی از این طریق با به تصویر کشیدن حقیقت در قالب مفاهیم قابل فهم برای انسان، زمینه را برای پذیرش محتوای راهبرد خویش آماده می‌سازد. موارد کاربرد استعاره‌ها در این گفتمان همان موارد تشبیه اشاره است که به دلیل عدم ذکر طرفین تشبیه ماهیت استعاره به خود گرفته است.

کاربرد استعاره تصریحیه: در گفتمان مذکور بین منافقان و مومنان، خداوند به

حرکت شتابان مومنان به سوی بهشت و درجات قرب الهی اشاره دارد و در این اشارت از استعاره در کلام استفاده شده است (الجدول فی اعراب القرآن، ۲۷، ۱۴۶).

علامه طباطبایی نیز به وجه بلاغی این عبارت حق تعالی، در وصف مومنان پرداخته اند: «این آیه شریفه، مطلق است و شامل مؤمنین هر امتی می‌شود، و اختصاصی به امت اسلام ندارد، و اگر از "تابیدن نور" تعبیر به "سعی و دویدن" شده برای این بود که اشاره کرده باشد به این که چنین کسانی به سوی درجاتی از بهشت که خداوند برایشان تهیه دیده می‌شتابند، در حالی که هر لحظه و یکی پس از دیگری درجات و جهات سعادت و مقامات قرب برایشان روشن می‌گردد، تا جایی که دیگر نورشان به حد تمام و کمال برسد، هم‌چنان که در جایی دیگر فرموده: «و سيق الذين اتقوا ربهم إلى الجنة زمرا» کسانی که در دنیا تقوا پیشه کردند دسته دسته به سوی بهشت سوق می‌دهند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹، ۲۷۲).

کاربرد استعاره تمثیلی: کلمه "سور" مانعی است که بین دو امر مادی جهت

جداسازی به کار می‌رود، چنان‌چه جناب علامه طباطبایی بدان اشاره دارند: «سور شهر، به

معنای دیوار دور شهر است که در قدیم دور هر شهری می کشیدند، و ارتباط شهر را با خارج قطع می نمودند. و ضمیر "هم" در جمله «فُضِرْبَ بَيْنِهِمْ بِسُورٍ»، به مؤمنین و منافقین هر دو برمی گردد، و معنای جمله این است که بین مؤمنین و منافقین دیواری کشیده می شود که این دو طایفه را از هم جدا می کند، و مانع ارتباط آن دو با یکدیگر می شود. اما در این که این سور یا دیوار چیست؟ بعضی از مفسرین اهل سنت معتقدند: اعراف است» (روح المعانی، ۲۷، ۱۷۷).

اعتقاد مذکور نزد علامه قابل قبول نیست. علامه در توضیح و تفسیر بیان داشته که «معنای این که فرمود: «له باب» این است که دیوار مذکور دری دارد، و این، در حقیقت تشبیهی است از حالی که منافقین در دنیا داشتند، چون منافقین در دنیا با مؤمنین اتصال و ارتباط داشتند (و مانند کفار یکسره رابطه خود را با مؤمنین قطع نکرده بودند)، و با این که با مؤمنین ارتباط داشتند، در عین حال با حجاب‌هایی خود را از مؤمنین پنهان کرده بودند، (یعنی واقعیت خود را پنهان کرده بودند، و مؤمنین حتی احتمال هم نمی دادند که این افراد ظاهرالصلاح گرگانی در لباس میش بوده باشند). علاوه بر این که در و دیوار مذکور وضع دنیایی منافقین را ترسیم و تصویر سازی می کند، این فایده را هم دارد که منافقین از آن درب ناظر به وضع مؤمنین هستند و حسرت فراوان می خورند، و سر انگشت ندامت می گزند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹، ۲۷۶).

«ضُرْبَ بَيْنِهِمْ.....» استعاره از فراگیری مرز بین منافق و مومن در حیات دنیوی بر اساس نگرش و عملکرد آن‌ها و به تبع آن حیات اخروی آن‌ها است. کاربرد واژه «ضُرْب» در قالب فعل مجهول در سایر آیات نیز مؤید و تأکیدی بر این فراگیری است: «وَوَضِعْنَا لَكَ آيَاتِنَا فَانظُرْ أَتَنْظَرُ» (آل عمران، ۱۱۲) «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» (آل عمران، ۱۱۲) «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا ثَقَفُوا» (همان، ۱۱۱) برخی از صاحب نظران نیز تحقق الاستعاره التمثیلیه فی قول خداوند متعال در واژه "سور" را بیان کرده اند. (الجدول فی الاعراب القرآن و صرفه، ۲۷، ۱۴۷)

کاربرد صنایع بدیع معنوی در تصویر سازی محتوا: تضاد و مقابله از جمله صنایع بدیع معنوی هستند که در این گفتمان، با هدف انتقال معنای مورد نظر به مخاطب و در نتیجه ترغیب به عملیاتی کردن ارزش‌های ایمانی در سبک زندگی، به خدمت گرفت شده اند.

صنعت تضاد، گاهی اوقات در بردارنده معنای شمول و فراگیری است و این معنای شمول در این گفتمان به چشم می خورد. کاربرد کلمات ظاهر_باطن و رحمت_عذاب، در آیه اشاره به فراگیری ارتباطات مومنان و منافقان در حیات دنیوی و اخروی است. باطن

دیوار در آن رحمت و ظاهر دیوار از ناحیه دیوار عذاب است، چنین برمی‌آید که دیوار محیط به مؤمنین است، و مؤمنین در داخل دیوار، و منافقین در خارج آن قرار دارند و این که دیوار مذکور داخلش که به طرف مؤمنین است طوری است که مشتمل بر رحمت است، و ظاهرش که به طرف منافقین است مشتمل بر عذاب است، با وضعی که ایمان در دنیا دارد، مناسب است؛ چون ماهیت ایمان در دنیا نظیر همان دیوار آخرت، برای اهل اخلاص از مؤمنین، نعمت و رحمت بود، که از داشتن آن شاد و مسرت می‌کردند و لذت می‌بردند، و همین ایمان برای اهل نفاق عذاب بود، از پذیرفتنش شانه خالی می‌کردند، و اصلاً از آن ناراحت و متنفر بودند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹، ۲۷۶)

۱-۶. بررسی ساختار درونی

ساختار درونی گفتمان منافقان و مومنان همچون ساختار بیرونی سعی در بیدار ساختن مخاطب از خواب غفلت و تحریک او به انفاق در بذل مال و جان دارد؛ گویی مخاطب چنان غافل است که تنها از طریق ابزار ساختار بیرونی نمی‌توان او را از حقیقت امر آگاه کرد به همین منظور در کنار ساختار بیرونی به ابزار دیگری نیاز است که شاید حتی در این موقعیت از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، لذا جهت اثرگذاری بیشتر بکارگیری برخی عواطف امری ضروری به حساب می‌آید.

به عنوان نمونه به برخی از این عواطف که در قالب آهنگ گفتمانی یا تصاویر عاطفی بروز کرده اشاره می‌شود:

حس عاطفی اندوه و تنهایی از طریق استعاره تمثیلیه، یکی از راه‌های تولید عاطفه در گفتمان است که «گفته- پرداز می‌تواند به گونه‌ای منحصر به فرد عناصر طبیعی را با صحنه‌ای که ایجاد می‌کند به هم مرتبط ساخته و بار عاطفی خود را از طریق گفتمان تولید نماید» (شعیری، ۱۳۸۹، ۱۶۱).

حس عاطفی اندوه و تنهایی در آیه مذکور، از طریق جملات کوتاه «تربصتم»، «فتنتم» و تکرار ضمیر مخاطب که به محوریت شخص مخاطب در این خسران اشاره دارد، ایجاد می‌شود.

تأثیر گفتمان: طراحی و مهندسی ساختارهای موجود در این گفتمان با توجه به موقعیت آیات و با هدف بیدار سازی و رهایی از گرداب تناقض گویی‌های جریان نفاق صورت گرفته است. توصیف صحنه‌های عینی، احساسات مختلفی همچون حسرت، اندوه، تأسف و تنهایی را در وجود مخاطب فراهم آورده و او را به جبران کوتاهی گذشته خویشتن سوق می‌دهد.

دهد؛ گویی تحریک این احساسات بهتر از هر لفظ و عبارتی قادر خواهد بود التفات و توجه مخاطب را به سوی هدف موردنظر پدید آورد.

۷-۱. نتیجه گیری

تحلیل گفتمان دانشی مبتنی بر استدلال و بحث‌های مستمر است که نگرش نوین به پدیده‌ها را فراروی بشر می‌گشاید. با بهره‌گیری از این دانش می‌توان به ابعاد برتر کلام الهی نیز پی برد.

سستی و کوتاهی مدعیان دروغین ایمان و سرسپردگی به خداوند، به عنوان بافت موقعیتی گفتمان آیات سوره مبارکه حدید، روشن‌گری و ارائه مصداق عینی در بازتاب ایمان واقعی و تحریک او به امر جهاد و بذل مال و جان در راه جانان را می‌طلبد. بر این اساس در راستای بررسی کارکرد ساختارهای این گفتمان ادبی و در هماهنگی و انسجام با بافت موقعیتی آن به این نتایج می‌توان اشاره کرد:

۱) در بررسی سطح آوایی از ساختار بیرونی، هماهنگی بین کاربرد هجاءهای کوتاه و متوسط و بلند موسیقی آیات، در راستای هدف خداوند متعال کاملاً متناسب با موقعیت خاص کلام و مقتضای حال مخاطب است. از سوی دیگر بهره‌مندی از تکرار کلمات و حروف^۱ به این هماهنگی جلوه خاصی داده است.

۲) در سطح نحوی از ساختار بیرونی کاربرد عناصر استراتژی همچون "ندا، استفهام، افعال مجهول و جملات کوتاه" با هدف روشن‌گری و آگاهی مخاطب به بذل مال و جان خالصانه در راه خدا به شیوه خاصی صورت گرفته است. به عنوان مثال استفاده از فعل مجهول "ضرب" اشاره به فراگیری و عمومیت وضعیت مومنان و منافقان در دنیا و آخرت دارد به گونه‌ای که زندگی اخروی چیزی جز بازتاب و عینیت اعمال و نیت افراد در دنیا نیست.

۳) در سطح دلالی از ساختار بیرونی گفتمان منافقان و مومنان، خداوند متعال در قالب صنعت تضاد و مقابله و استفاده از تشبیه و استعاره در ارائه تصویر روشن و محسوسی از حیات اخروی این دو گروه، مخاطب را در وقوع حتمی پیامدهای نفاق هشدار می‌دهد و او را از کوتاهی در این زمینه بر حذر می‌دارد.

۴) بررسی ساختار درونی این گفتمان، با نظر به اهمیت عواطف انسانی مشابهی همچون تنهایی، تحسّر، پشیمانی و اندوه که همگی دارای یک محور هستند، استفاده آن‌ها در انگیزش مخاطب و ترغیب انسان را روشن می‌سازد.

- ۵) تأثیر توصیف صحنه‌های عینی در ساختار درونی گفتمان، احساسات مختلفی همچون حسرت، اندوه، تأسف و تنهایی را در وجود مخاطب فراهم آورده و او را به جبران کوتاهی گذشته خویش سوق می‌دهد.
- ۶) چهار خصلت فتنه‌گری؛ تربص (انتظار شر و بدی برای دیگران)؛ دایما در ریب و شک بودن که آفت ویران‌گر اندیشه است و داشتن آرزوی‌های درازمدت و در نهایت فریفته شدن وسوسه‌های شیطانی، از ویژگی‌های منافق است.
- ۷) خصوصیات افراد منافق در قالب تکرار جملات کوتاه، بیان‌گر نقش و سهم اختیار مخاطب به عنوان عامل اصلی در سرنوشت او خواهد بود.
- ۸) ساختار درونی این گفتمان که بیانگر یک امر واقعی و حقیقی است، به نسبت ساختار بیرونی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، روح المعانی، نرم افزاز جامع التفاسیر نور.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ دوم، دارالصادر، بیروت.
۴. احمد بدوی، احمد، (۲۰۰۵). من بلاغة القرآن، نهضة مصر، قاهره.
۵. انیس، ابراهیم، (۱۹۵۲). موسیقی الشعر، چاپ سوم، مکتبه الانجلوا المصری، مصر.
۶. بلوحي، محمد، (۲۰۰۴)، آلیات الخطاب النقدي العربي الحديث فی مقاربه الشعر الجاهلی بحث فی تجلیات القراءات السیاقیة، اتحاد الكتاب العرب، دمشق.
۷. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۹۱)، اسرار البلاغه، تعلیق محمود محمد شاكر، مکتبه الخانجی، قاهره.
۸. صافی، محمود عبد الرحیم، (۱۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه، نرم افزاز جامع التفاسیر نور
۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات اسلامی ایران، قم.
۱۰. رود معجنی، محمود، (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها) انتشارات سخن، تهران.
۱۱. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (۱۹۸۴)، البرهان فی علوم القرآن. تحقیق: محمدابولفضل ابراهیم، مکتبه دار التراث، القاهره.
۱۲. شعیری، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان. چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۱۳. الشهري، عبدالهادی بن ظافر، (۲۰۰۴)، استراتیجیات الخطاب مقاربه لغویة تداولیة، دار الكتاب الجديدة المتحدة، بیروت.
۱۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و همکاران، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و اسلامی، تهران.
۱۵. میلز، سارا، (۱۳۸۸)، گفتمان، ترجمه: فتاح محمدی، چاپ دوم، هزاره سوم زنجان.
۱۶. مک دانل، دایان، (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه‌های گفتمان، مترجم: حسین علی نوری، فرهنگ گفتمان، تهران.

۱۷. الهاشمی، احمد، (۱۳۹۴)، جواهرالبلاغه، چاپ ششم، حوزه علمیه قم، مرکز

مدیریت